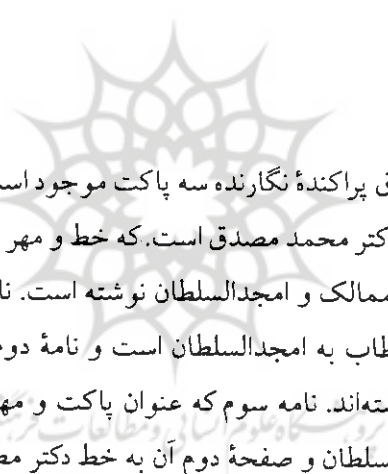


فردوسی و علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی
اسطوره تاریخی

● سه نامه از دکتر محمد مصدق / محمد گلبن



در میان نامه‌ها و اوراق پراکنده نگارنده سه پاکت موجود است که عنوان نامه‌ها به خط و مهر «مصدق السلطنه» یعنی دکتر محمد مصدق است. که خط و مهر را کاملاً می‌شناسم. هر سه پاکت را دکتر مصدق به صدرالممالک و امجدالسلطان نوشته است. نامه اول و دوم که در زیر مطالعه می‌فرمائید. نامه اول خطاب به امجدالسلطان است و نامه دوم از عنوان نامه پیداست که به صدرالممالک مرقوم داشته‌اند. نامه سوم که عنوان پاکت و مهر مصدق السلطنه را دارد. یک صفحه آن به خط امجدالسلطان و صفحه دوم آن به خط دکتر مصدق است که بسیار جالب است و از نظر شناخت شخصیت دکتر مصدق قابل توجه و تعمق. صدرالممالک و امجدالسلطان هر دو از رجال معروف شهرستان قزوین بوده‌اند که در دوران قاجار به علت قرابت با شیخ الاسلام قزوین دارای مشاغل مهمی بوده‌اند و این مشاغل را تا اواسط دوران پهلوی اول حفظ نموده‌اند آنها رجالی بوده‌اند که مردی چون دکتر مصدق در نامه‌هایش در مقابل آنها فروتنی نشان می‌دهد محل ارسال هیچکدام از نامه‌ها معلوم نیست. اما نامه‌ها از محلی ارسال شده است که دکتر مصدق ذکر فرموده‌اند «بنده شب‌های جمعه به بسطام به زیارت بایزید بسطامی می‌روم»^۱ امجدالسلطان سالها معاونت وزارت عدلیه را عهده‌دار بود و بخصوص هر وقت میرزا حسن خان

۱- فرصت نشد که به محل خدمات دکتر مصدق نگاه کنم و تاریخ ارسال نامه‌ها را معلوم بدارم. م. گ

مشیرالدوله در رأس وزارت عدلیه بوده امجدالسلطان معاونت او را داشته است. صدر دیوانخانه که معلوم است دارای چه مقامی بوده است. امجدالسلطان سالهای پایانی خدمت خود را در ریاست عدلیه کاشان و نطنز سپری کرده است صدر و امجدالسلطان هر دو از خاندانهای معروف ایران هستند. در این نوشته نظر ما در مورد معرفی و شناخت این خاندان نیست در نظر است که نامه‌های دکتر مصدق را به خوانندگان معرفی کنیم چرا که آنچه از رجالی چون مصدق، دهخدا، مشیرالدوله به دست آید برای فرهنگ و تاریخ ما گنج باد آورد است. دو مجلد از مجموعه نامه‌های دکتر مصدق را تا به حال نویسنده و محقق فرزانه آقای محمد ترکمان گردآوری و چاپ و نشر کرده است امید است که این راه را ادامه دهد و آنچه را که در گوشه فراموشی مانده باز پیدا کند و به عنوان مجلدات دیگر برای ملت ایران به ارمغان بگذارد.

متن نامه اول:

«قربانت گردم. اگر چه بعد از تشریف بردن حضرات یعنی سرکار علییه عالییه خانم احترام السلطنه دامت شوکتها با اینکه حرکت آنها را تلکرافاً عرض کرده و با پست هم شرح حالشان را اطلاع داده بودم و قرار بود پس از ورود به طهران سلامتی خودشان را مرقوم فرمایند. یعنی به توسط حضرتعالی و امروزه یازده روز است تشریف آورده‌اند نه از حضرتعالی خبری رسیده است و نه از جانب آقای مصباح حضرت و خیلی متوحشم انشالله تعالی که به سلامتی و خوشی وارد شده‌اند. البته شرح خدمتگزاری فدوی را هم حضور باهرالنور عالی عرض کرده‌اند آنچه را که از فدوی برآید مضایقه نکردم. حتی چند نفری که طلب داشتند علاوه از آنچه را که خود فرستاده بودند تقریباً سی و سه تومان و پنجهزار پنجشاهی سوای ده تومان پول مرکب بدهی داشتند که طلبکاران می‌خواستند جلوی اسبابشان را بگیرند بنده دیدم خیلی بد است برحسب حواله خود حضرت علییه که با پست قبل حواله شده خدمت حضرتعالی ارسال داشتم و قرض کرده پرداختم و قرار شد که قبض خانم را بفرستم خدمت جنابعالی که وصول و ارسال فرمائید. تاکنون خبری نرسیده است و صاحبان پول طلب خودشان را مطالبه می‌نمایند از حضور مبارک مستدعی هستم که زودتر آن دو فقره پول را گرفته التفات فرمائید. محترمانه عرض می‌کنم با این همه زحمات و خدماتی که وقت حرکت بنده نسبت به حضرات کردم سکینه نام صبیبه خدمت بنده را که به سن نه سال است سرکار خانم بدون هیچ عنوانی همراه خودشان آورده‌اند به طهران، یعنی به مادرش که کلفت بنده است فرموده بودند دخترت را بما بده ببریم خودت هم بیا به طهران. مادر دختر رودرمانده بود آنها هم مفت خود دانسته دختر را به طهران آورده‌اند. حالا از شبی که این دختر را حضرات به طهران آورده‌اند مادرش شب و روز آه و ناله

مدیریت جناب مستطاب اجل اکرم آقای امجدالسلطان دام



● خدمت با شرافت جناب مستطاب اجل اکرم آقای امجدالسلطان دام -
اجلاله العالی (سجع مهر «مصدق السلطنه»)

می‌کند و بی‌قواری دارد حتی خدمت حضرت حجةالسلام آقای میر مطلب و آقای آشیخ احمد هم از بنده شکایت کرده بودند که دختر مرا خانواده (متن خانه واده) مصباح حضرت بدون هیچ اسم و رسمی برده‌اند و به رئیس عدلیه هم شکایت کرده است. بنده خواستم تلکراف کنم از عرض راه برگردانند دیدم خوش آیند نیست این است که حالا تفصیل را حضور مبارک حضرت عالی عرض می‌کنم. مقرر فرمایند آن دختر را به توسط یک نفر مسافری که عیال داشته باشد هر چه زودتر بفرستید که نزد خانواده بنده از دست آه و ناله مادر این طفل آسوده‌گرم.

یک فقره هم یکصد و یازده تومان طلب جناب آقا سید محمد علیخان معاون مالیه است که صورت جزء آن را بایست قبل حضور مبارک فرستادم. آن صورت را جناب آقای امین‌زاده و جناب محتشم الدوله سرکرده سوار اینجا تصدیق کرده‌اند که جناب آقای آقا سید محمد علیخان در وقت حرکت آقای مصباح حضرت این طلب را مطالبه می‌نمودند جناب آقای مصباح حضرت هم اقرار داشتند و به جناب آقا سید محمد علیخان معاون مالیه گفته بود حالا ندارم و شما سخت‌گیری نکنید می‌روم طهران اگر مراجعت کردم می‌دهم و الا از طهران برات خواهم فرستاد این بیچاره هم انسانیت کرده و جلوگیری ننموده بود حالا چنانچه اقرار دارند و می‌دهند هر چه زودتر خودشان بفرستند. اقرار ندارند به حرف حسابی جواب بنویسند که پس فردا به وزارت مالیه و خزانه‌داری شکایت نکنند که شخص داغ باطله بخورد. در باب مالهاشان هم از

صدقت ان لم نره احرف همدان

مکتبہ ام لکس محمد اور در صد لک

مکتبہ در ارد حوں کات در ان سر

در است لغز حوض

و ما در سر سید
آل اسلام

بنده همینقدر راپورت دادن بود. حالا دیگر بسته به اقدامات خودشان است. از حالت و گزارش و وضع زندگانی خودم بخواهید همان است که بوده. ماکان کماکان شب و روز گرفتار مداخله آقای نایب الحکومه هستم. که متصل مشغول رسیدگی به امورات حقوقی و جزائی است. مجال به عدلیه نمی دهد هر قدر هم که از مرکز تلکراف در عدم مداخله صادر می شود ابدأ اعتنا نمی کند. قدری بیچاره با یک مشت عیال و اطفال و این همه مخاطرات و محظورات است. آخر محلی که می تواند پانزده تومان الی بیست تومان حقوق به فدوی می رسد.

چند روز قبل بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف آقای مشیرالدوله روحی فداه به خط مبارک خودشان به آقای امیر اعظم توصیه فرموده بودند که باید قدر فلانی را بدانید و در کلیه کارهای خودتان او را طرف شور و مشورت قرار بدهید زیرا که او از خود ما است و دلخواه شما. امیدوارم که بعدها نتیجه خوب و خوش بدهد. فشنگ های مرحمتی نرسید و حال اینکه همه روزه آدم مخصوص به طرف خراسان می آید. مستدعی هستم زودتر التفات فرمائید هرگونه خدمت و فرمایشی که باشد مرقوم فرمائید. با کمال افتخار و منت حاضر.

نامه دوم

حضور مبارک حضرت اشرف آقای صدرالممالک روحیفداه عرض فدویت و چاگری می رساند. عرض کند اگر چه فرصت ندارید جواب عرایض پیر غلام را مرحمت فرمائید ولی فدوی هیچوقت مراحم حضرت اشرف را از نظر فراموش نمی کند مخصوصاً هر شب جمعه را که می روم خدمت بایزید بسطامی همت می طلبم و بقای وجود مبارک را از خداوند خواهان و درخواست می کنم که خداوند در این آخر عمری اسبابی برای حضرت اشرف فراهم نماید که محتاج به این دوره نباشد.

مختصر عریضه حضور مبارک حضرت اشرف آقا روحی فداه عرض کرده و لفاً خدمت جنابعالی فرستادم که برسانید جواب گرفته مرحمت فرمائید. اگرچه گاهی مختصر عریضه خدمت حضرت آقای عدل الملک معاون وزارت جلیله داخله عرض می کنم و از اوضاع این صفحه خاطر مبارکشان را مسبوق می نمایم. ولی محض از برای خدا اگر ملاقاتشان فرمودید و موقعی به دست آید بفرمائید تا زود است یک فکری برای این صفحه بفرمائید و الا اهالی به گلی متوالی و به خاک استرآباد در قونسولخانه خواهند رفت. زیرا که این طفل دیگر نمی تواند این صفحه را منظم نماید چشم تمام مردم ارازل و اوباش و اشاری که دور و برش جمع بودند و حالا دور خودش جمع شده اند به روی خودش باز کرده است. دیگر نمی تواند جلوگیری کند



● دکتر محمد مصدق

چون می دانم که حضرت عالی مثل حضرت آقای محتشم السلطنه یک راهی با خدا دارید این است که خاطر مبارک را مسبوق مینماید که هر گاه موقعی به دست آمد مذاکره بفرمائید. عرض دیگر اینکه امروز صبح می خواستم بروم بسطام زیارت و خدمت آقا برسم یک نفر آمد مبلغ هفت هزار پول کنف از جناب آقای مصباح حضرت مطالبه می کرد. خیلی خُلقم تنگ شده به مردیکه فحش دادم که وقت رفتن چرا مطالبه نکردین گفت محض اینکه شما نگذاشتی بالاخره خیلی به من بد گذشت اگر ملاقات فرمودید بفرمائید که این هفده هزار چیزی نیست و بدنایمی دارد اگر صحیح است بدهند یا حواله نمایند بنده بدهم. خدمت آقایان عظام خودم فرداً عرض سلام برسانید. هر قسم خدمتی فرمایشی داشته باشند مرقوم فرمایند با کمال منت حاضریم زیاده عرضی ندارد.

تصدق شما ایام عزت مستدام

نامه سوم

عنوان پاکت و مهر نامه به خط و مهر «مصدق السلطنه» است. پیداست که این نامه را امجدالسلطان خطاب به دکتر محمد مصدق نوشته است و مصدق در صفحه مقابل جواب او را داده است اصل نامه امجدالسلطان و جواب دکتر مصدق را به او در زیر مطالعه میفرمائید.



● دکتر محمد مصدق

ياهو

تصدقت شوم امیدوارم انشاءالله تعالی مزاج مرحمت امتزاج مبارک قرین صحت و استقامت و مصون از هر نوع کدورت و ملالت خواهد بود. ضمناً تصدیع میدهد ابلاغی از طرف قرین اشرف بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اتابک اعظم مدظله صادر شده است که دویست تومان نقد و سی خروار جنس اضافه مواجب و خانواری به مخلص از محل صحیح داده شود اینک ابلاغ را لفاً تقدیم نموده که از ملاحظه شریف بگذرد. از آنجائیکه الطاف مخصوص اجل عالی را درباره خود میدانم که بحمدالله تعالی بسرحد کمال است.

لهذا با کمال امیدواری بعد از فضل خداوند مستدعی می باشم مبلغ و مقدار معروض فوق را از متوفیات صحیح بلا معارض خراسان محلی به مخلص مرحمت فرمایند که انشاءالله تعالی به مرحمت حضرت تعالی این مبلغ و مقدار درباره ارادت شعار برقرار شود و مبلغ سیصد تومان هم برای تقدیم قهوه خانه حضرت تعالی حاضر است. که هر زمان و غیره بفرمائید مبلغ دویست تومان و مقدار سی خروار محل صحیح موجود است با کمال امتنان و تشکر تقدیم مینمایم و هرگاه از تقدیم قهوه خانه جنابعالی کسر باشد هر قدر اضافه و سیصد تومان بفرمائید حاضر است و با نهایت افتخار بندگی میشود. امیدوارم انشاءالله تعالی این مرحمت مخصوص به دست مبارک جناب اجل عالی درباره مخلص انجام گیرد هرگاه به رأی مبارک قرار بگیرد که این مبلغ و مقدار

معروضه را محل صحیح به مخلص مرحمت فرمایند دو کلمه مرقوم فرمائید که مخلص با اطمینان حاصل نموده حکم او را از طرف باشرف حضرت مستطاب اجل اکرم افخم بندگان آقای وزیر دفتر خطاب به حضرت عالی صادر نمایند و با تنخواه تقدیمی انفاذ نمایند یقین است که ابلاغ حضرت اتابک را بعد از ملاحظه اعاده خواهند فرمود. جسارت است و اگر هم از حضرت عالی پیشرفت ندارد دو کلمه مرقوم دارید که خیال مخلص راحت شود. امضاء
دکتر مصدق در صفحه مقابله نامه فوق که تصویر آن را ملاحظه میفرمائید مرقوم داشته است.

«تصدقت شوم این بنده هیچوقت قصوری در خدمتگزاری نکرده‌ام لکن بحق خداوندی خدا این کار از بنده پیشرفت ندارد. چون حالت نداشتم نتوانستم درست به عرض عریضه جسارت کنم. امیدوارم فرمایش دیگری شود که از عهده انجام آن برآیم...» این نامه از نظر شناخت خوی و خصلت دکتر مصدق بسیار ارزنده است. حتی دکتر مصدق نامه امجدالسلطان را با زیرکی جزو اسناد خود نگاه نداشته است و نظر خود را در صفحه مقابله همین نامه اعلام داشته است که ملاحظه فرمودید. روان بزرگانی چون دکتر مصدق شاد که به دیگران درس آزادی دادند والسلام.

منتشر شد:

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله عرفانی زبدة الحقایق

تصنیف: شیخ عزیزالدین نسفی

تصحیح مقدمه و تعلیقات: حقوردی ناصری

انتشارات طهوری — خیابان انقلاب — شماره ۱۴۳۸ — تلفن: ۶۴۰۶۳۳۰